



# الگوی اسلامی شادکامی

فصل چهارم

ساختار شادکامی

تهیه کننده: شایسته فتحی

کارشناسی ارشد رشته روانشناسی اسلامی (مثبت گرا)

شماره دانشجویی: ۹۹۰۱۳۸۷۰۱

## ماهیت شادگامی

□ ساختار شادگامی باید با تعریف سعادت و واقعیت های زندگی یکی باشد.

سعادت سه مولفه دارد:

❖ خیر: ماهیت وقایعی که انسان با آنها روبرو می شود.

❖ سرور: بعد هیجانی زندگی

❖ پایداری: بعد زمانی دو مولفه فوق

سعادت هنگامی بدست می آید که روند زندگی مبتنی بر خیر (خوبی) باشد و از طرفی همراه با سرور و

خرسندی (شادی) باشد و موقتی نباشد.

## ابعاد زندگی خوب

### ✓ بعد اول: روابط خوب

ارتباط و تعامل با دیگران، یکی از ابعاد مهم زندگی محسوب می‌شود. ارتباط مثبت و مطلوب با افراد موجب ایجاد رضایت در زندگی می‌شود.

### ✓ بعد دوم: اقتصاد خوب

بخش مهمی از زندگی انسان معیشت او در این دنیا است. امور گوناگونی نظیر: مسکن، مال، وسیله نقلیه و شغل خوب را شامل می‌شود. پس معیشت خوب همان اقتصاد خوب بعد دوم از ابعاد زندگی است.

### ✓ بعد سوم: نظام اجتماعی-سیاسی خوب

گذشته از بعد روابط اجتماعی، بعد سیاسی-اجتماعی که قلمرو بزرگتری از روابط اجتماعی را در بر دارد، از دیگر ابعاد زندگی خوب است. زندگی فردی و اجتماعی در بستر نظام سیاسی جریان داشته و همه امور زندگی به آن وابسته است.



## چهار مفهوم مهم در داشتن «زندگی خوب»

➤ تقدیرها:رخدادهای خوشایند و ناخوشایند زندگی هستند.

➤ معیشت:بعد اقتصادی زندگی را شامل می‌شود.

➤ روابط: تعامل با دیگران را شامل می‌شود.

➤ سیاست:نظام سیاسی حاکم را شامل می‌شود.

## تقدیر الهی

بخشی از زندگی همه انسانها را تقدیرهای خاص الهی تشکیل داده است. در دین از آن به عنوان قضا قدر یاد شده است. قضا در لغت به معنای استوار نمودن کاری یا حکم نمودن بر کاری است. مانند قاضی که حکم بر انجام کاری میدهد. اما قَدَر به معنای حد و اندازه چیزی است.

درقرآن و حدیث طبق فرموده حضرت علی(ع) کلمه قضا در ده معنا در قرآن آورده شده است. که یکی از معانی قضا به معنای فرمان تحقق یا حکم تحقق است. و یکی از معانی قَدَر هم اندازه گیری و هندسه اشیا است.

خداوند متعال پیش از انجام دادن هرکار و آفرینش هر پدیده‌ای، ابتدا حدود وجودی آن را، از هر نظر معین و مشخص مینماید. محدوده‌ها و جوانب و ظرفیت های هر پدیده را قَدَر گویند و این عمل را «تقدیر» می نامند.

پس از تقدیر، قضای الهی را خواهیم داشت. **قضای الهی مقدمه دوم آفرینش پدیده هاست.** امام هشتم شیعیان علیه السلام فرموده: «هُوَ الْإِبْرَامُ وَ إِقَامَةُ الْعَيْنِ» که به معنای استوار سازی و به وجود آوردن است. در این بخش خداوند آنچه که مقدر فرموده است به مرحله اجرا در آورده و به عرصه وجود می آورد.

**وجود عینی هر پدیده به استوار نمودن وجود تقدیری آن وابسته است.**

**قدر بر قضا مقدم است. اگرچه در نوشته ها قضا و قدر نوشته میشود چون تلفظ آن راحت تر است.**

## اقسام قضا و قدر

۱- قطعی و غیر قطعی

۲- تکوینی و تشریحی

۱- قطعی و غیر قطعی: با موضوع ما ارتباط مستقیم ندارد.

۲- تکوینی و تشریحی: به بعد آفرینش زندگی و چگونگی تنظیم قوانین و حوادث آن مرتبط است.

قضا و قدر تکوینی درباره افعال انسان است

قدر تکوینی: اعطای قدرت انتخاب و توانایی انجام امور به اندازه محدود به انسان است. به مسئله اراده و اختیار انسان و نقش آن در ایجاد شادکامی برمی‌گردد.

قضای تکوینی: فرمان تکوینی خداوند به اندازه اجرای این امور است.

## تقسیم بندی حوادث زندگی

در قضا و قدر تکوینی، حوادث و رخدادهایی هستند که در روند زندگی هر فردی پیش می آیند. حوادث زندگی به دو قسم منقسم شده است:

خوشایند و ناخوشایند

بر همین اساس حضرت علی(ع) زندگی را به دو بخش تقسیم میکند:

✓ یوم لک (خوشایندهای زندگی) (نعمتها)

✓ یوم علیک (ناخوشایندی های زندگی) (نقمت)

ناخوشایندهای زندگی همان حوادث و تکالیف هستند. نعمتها و نقمتها در بعد تکوین به امر خداوند مقدر شده اند. که به مجموع آنها قضای الهی گفته می شود.



## قضا و قدر تشریحی

قدر تشریحی: خداوند متعال افعال اختیاری انسان را اندازه گیری کرده و بر اساس مصالح و مفاسدی که دارند آنها را به «واجب، مستحب، حرام و مکروه» تقسیم شده اند و حدود و اندازه پاداش هر یک مشخص شده است.

**قضای تشریحی:** قضای تشریحی آن است که خداوند فرمان اجرای قدر تشریحی را صادر نموده است.

در قضا و قدر تشریحی باید و نبایدها مورد نظر هستند. آنچه که مربوط به بعد قانون گذاری می شود و رسیدن به هدف را مدنظر دارد. به این صورت که ابتدا هدف در نظر گرفته میشود و سپس عوامل تهدید کننده و تأمین کننده را شناسایی میشوند. بعد از آن، عوامل تهدید کننده نهی شده و عوامل تأمین کننده امر میشوند. به همین دلیل قانون باید و نباید دارد و به صورت «امر و نهی» است.

در مبحث بایدها و نبایدها؛ دین آنچه را موجب تأمین شادکامی اصیل می‌شود **واجب** میداند و آنچه را تهدیدکننده شادکامی باشد **حرام** دانسته است. در سطوح بعدی مفاهیمی همچون مستحب و مکروه وجود دارد.

**واجب‌ها** اموری هستند که تحقق هدف زندگی یعنی شادکامی پایدار، بدون آنها ممکن نیست. **مستحب‌ها** عوامل تأمین کننده‌ای هستند که درجه لزومشان به درجه واجب‌ها نمی‌رسد. اما وجود مستحب‌ها برای رسیدن به **شادکامی حداکثری** لازم است. و بدون آنها فقط از طریق واجب‌ها دستیابی به **شادکامی حداقلی** خواهد بود.

**مکروه‌ها** عوامل تهدیدکننده‌ای هستند که درجه لزومشان به حرام‌ها نمی‌رسد. مانعی برای **سعادت حداکثری هستند**.

**حرام‌ها** اموری هستند که با وجود آنها دستیابی به شادکامی ممکن نیست. و براین اساس مفهوم تکالیف الهی بیان شده است و به دو بخش معصیت و طاعت تقسیم شده اند. معصیت موجب دور شدن شادکامی اصیل شده و انجام طاعت الهی به حصول شادکامی می‌انجامد.

## حوزه‌های زندگی

■ **معیشت:** برخورداری های مادی در اسلام از عوامل سعادت بیان شده است. از آنجا که بشر نیازمند است؛ و یکی از ابعاد زندگی انسان برآورده شدن نیازهاست. دستیابی به نیازهای ضروری (ضروری برای بقا که در طبیعت وجود دارد) آسان تر و هر چه از ضرورت نیاز کاسته شود دستیابی به آن نیاز به واسطه دارد. در اسلام به تامین معاش بسیار تاکید شده و از نشانه های مومن تلاش برای معاش نیکو است.

■ از دیدگاه اسلام مؤمن کسی است که غیر از آخرت، به امور دنیوی و مادی نیز اهتمام ورزد. پروردگار متعال در آیه ۱۲ سوره جاثیه انسان را به فرموده است: ﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ خداست آن که برای شما دریا را مسخر گردانید تا کشتی به امر او (آسان) در آب جاری شود و از آن (به تجارت و سفر) از فضل خدا (روزی) طلبید و باشد که شکر نعمتش به جای آرید. بنابراین این آیات و آیات مشابه نقش تأمین روزی در شادکامی و احساس آرامش را مورد تأکید قرار میدهد.

■ **روابط اجتماعی:** انسان موجودی اجتماعی است و ارتباط اجتماعی در قرآن علت اصلی تفاوت انسانها با یکدیگر است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۳ سوره حجرات که فرموده: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» بیان نموده است که مردم با یکدیگر برابرند و برهم برتری ندارند و اختلاف و فضیلتی میان آنها نیست. بلکه شعبه شعبه بودن آنها برای تمایز دادن انسان هاست و وجود شعبه‌های متفاوت، برای فخرفروشی نیست و در واقع برای شناخت و تعاون با یکدیگر است. امام صادق (ع) شیعیان را به ارتباط سالم با اهل سنت تشویق می‌کرد زیرا انسانها از هم بی‌نیاز نیستند. داشتن خانواده و همسر خوب، همسایگان خوب، دوستان خوب و ایجاد ارتباط سالم و مثبت با دیگران و رضایت متقابل در ارتباط اجتماعی از دیگر عوامل شادکامی بیان شده در منابع دینی محسوب می‌شود.



نظام سیاسی: هر نظام سیاسی از روابط اجتماعی گسترده‌تر است و در بردارنده ارکان جامعه است. در دین از نظام سیاسی به عنوان امامت یا ولایت یاد شده است.

اسلام در گام اول رهبری جامعه را از ضروریات جامعه می‌داند ولی در گام دوم و تکاملی؛ زمینه سازی برای حکومت صالحان، و تسلیم نشدن برابر هرج و مرج را نیز لازم می‌داند.

گام نخست گامی حداقلی است که نارضایتی را از بین می‌برد.

گام دوم سعادت‌مندی اصیل در پی داشته و برخورداری از یک حکومت صالح و شایسته است.

اطاعت از اهل بیت و پیامبر به عنوان رهبر و امام از عوامل شادکامی در اسلام است.

## مناسبات ابعاد زندگی

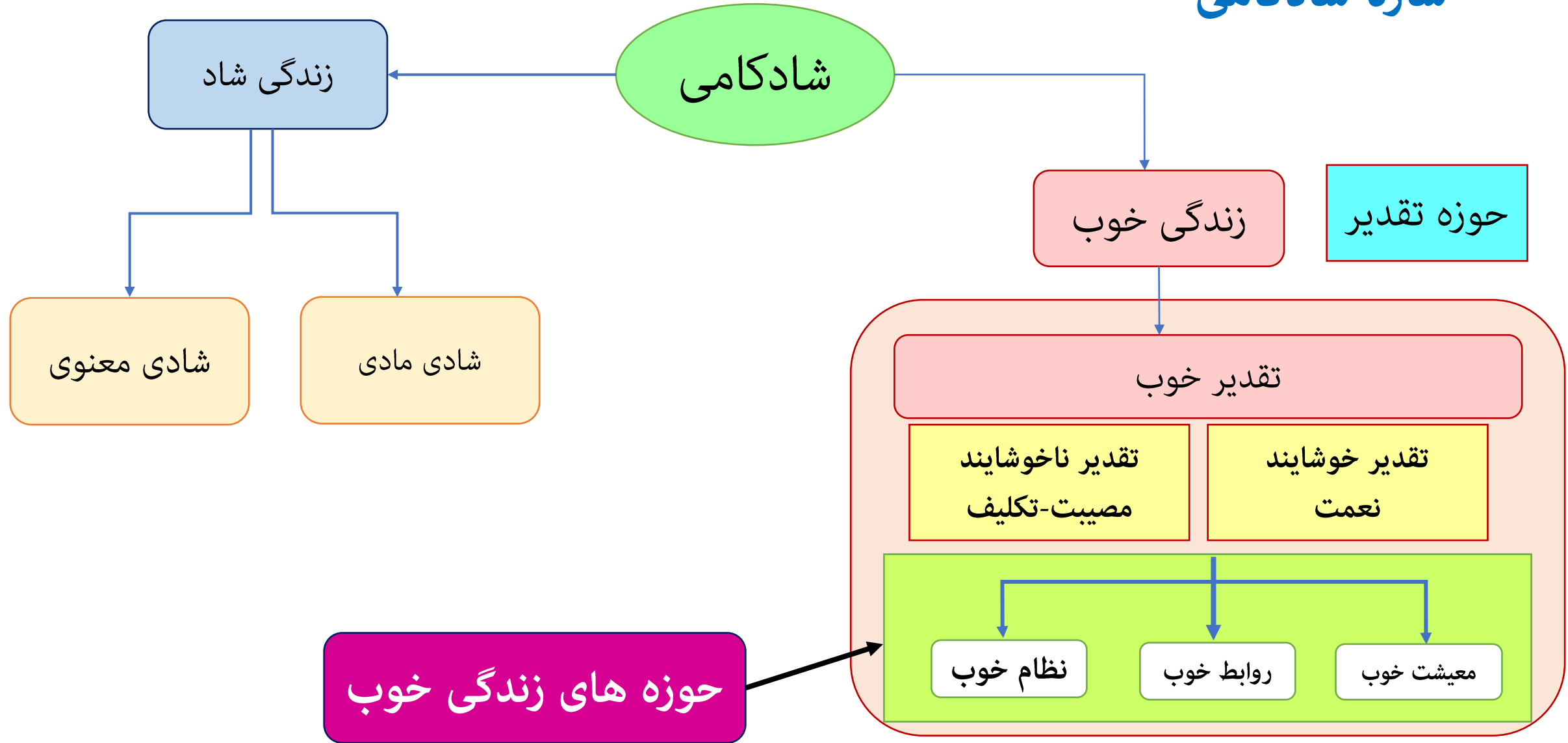
همانگونه که بیان شد سه مفهوم معیشت، روابط اجتماعی و نظام سیاسی را به عنوان عوامل شادکامی معرفی نمودیم. اما در این میان جایگاه تقدیر کجاست؟

تقدیر به عنوان وضعیتی حاکم بر امور فوق است. اگرچه امور فوق به اختیار انسانها گذاشته شده است اما تقدیر از سوی خداوند متعال بر خوشایند یا ناخوشایند نمودن امور فوق اعمال می‌شود. اما انسان در رضایت از زندگی نقش دارد و باید نسبت به مقدرات واکنش مناسب داشته باشد.

### ابعاد زندگی شاد

از آنجا که انسان موجودی دو بعدی است شادی هم دارای دو بعد است مادی - معنوی. در قرآن با مفاهیمی همچون سرور، حلاوه الایمان، حلاوه المحبة از شادی مادی و معنوی یاد شده است. اسلام به اهمیت شادی در هر بعد مادی و معنوی تاکید دارد. وجود لذتهای مادی و هم لذتهای معنوی را به عنوان عوامل شادکامی مهم می‌داند.

# سازه شادکامی





با تشکر از توجه شما

